

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۷۲۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۲ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۵ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۱۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۲۹
اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

# شترت

**پهلوانان نمی‌میرند - حسن فتحی - ۱۳۷۶**

**پهلوان قلیچ (عنایت بخشی):** بدی این روزگار اینکه که تا وقتی غالی همه دور و برتن ولی وای به حال مغلوب که همیشه تنهاست!..

### صاف و ساد

## آشتی در بهاران



**قادر باستانی‌تیریزی**

دوشنبه صبح به بازار رفته بودم. شلوغ بود، اما شور و حالی نداشت و مردم ملول و دمغ بودند، انگار که شب عید نیست. قیمت‌ها گران و جیب‌ها خالی است. قیمت اجناس را نگاه می‌کردند و رد می‌شدند. مردم با سبیلی صورت‌شان را سرخ نگه می‌دارند. آنها روزهای سختی را می‌گذرانند. دیگر اخبار خوش هم خوشحال‌نمان نمی‌کند. خیر آشتی با عربستان، دلار را پایین کشید، اما دل مردم باز نشد. شاید باور ندارند که اتفاقی خواهد افتاد. لابد فکر می‌کنند، این هم یک بازی سیاسی است و بی‌پولی، فعلا غصه اصلی مردم شهر است. مغازه‌دارها هم مکدر بودند. وقتی مردم پولی در بساط ندارند، آنها هم ضرر می‌کنند. کاسبی می‌گفت، یک سال داریم اجاره می‌دهیم، به امید اینکه فروش شب عید جبرانش کند؛ این هم شب عید که انگار مردم فقط پرای تماشا به بازار آمده‌اند. یادش بخیر، اسفند که می‌رسید، شور و شوق و شغف، همه شهر را فرا می‌گرفت و همه‌های در کوچه و خیابان برپا می‌شد. صدای باسپای‌ها، غلغله بازارچه‌ها و خانواده‌هایی که با چند بچه قد و نیم‌قد، از این مغازه به آن مغازه می‌رفتند. صدای چک و چونه مردم، با صدای ضرب و رقص حاج فیروز و آواز عمو نوروز، در هم می‌آمیخت و سبزه‌زنگی و شادابی و هیجان خرید شب عید را مجسم می‌کرد، اما دیگر از آن خبرها نیست. دخل مردم، کفاف خرج‌شان را هم نمی‌دهد. قیمت‌ها سر به فلک کشیده و حقوق کارمند و کارگر، بیشتر صرف سیرکردن شکم زن و بچه‌شان می‌شود. البته ناراحتی مردم فقط از گرانی‌ها نیست، احساس می‌کنند که وضعیت کشور رها شده و کسی به فکر آنها نیست. مصائبی که پاییز امسال بر مردم وارد شد، احتیاج به دلجویی داشت، اما کسی دلجویی نکرد؛ برخی حتی طلبکار هم شدند. برخی جامعه‌شناسان معتقدند در نتیجه ناآرامی‌های عمیق پاییز امسال، یک طبقه ضداجتماعی جدید در کشورمان پدیدار شده و آنها برآورد می‌کنند تعدادشان دست‌کم شش میلیون نفر باشد. برخی نشاتکان این طبقه، بی‌اعتمادی مفرط، افسردگی گروهی، نافرمانی مقابله جوانیه، وندالیسم، سبزه‌جویی نامتقارن و تخریبگری است. راه تعامل با این افراد، بهبود حکمرانی و کارآمدی، امیدآفرینی و تقویت فرهنگ گفت‌وگوست. جامعه ما دچار فقدان گفت‌وگوست. در جامعه‌ای که در آن جامعه مدنی و سازوکارهای مشارکتی نظیر شکل‌های صنفی و احزاب سیاسی واقعی، از ایفای نقش مؤثر ناتوان هستند، اساسا اصل نمایندگی مخدوش است، بنابراین گفت‌وگویی شکل نمی‌گیرد. کام اول برای گذار از بحران‌های پیاپی، رفع موانع گفت‌وگوی اجتماعی است. گام بعدی، امیدآفرینی است. انسان به امید زنده است. ما در عصر شتابندگی تاریخ به سر می‌بریم. امروز ایران، نیازمند تقویت امید اجتماعی است. منظور از امید اجتماعی، انگاره‌ها و انتظا‌رها نسبت به حال و آینده است. امید اجتماعی، مبنای بالابردن ظرفیت‌های آرزومندی جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. اگر جامعه حس کند که قابلیت سیاسی و فرهنگی ندارد، ظرفیت امیدواری آن بالا نمی‌رود. پایه‌های امید اجتماعی، عامل و زمینه تغییرات در جامعه است. امید اجتماعی، عامل تداوم جامعه است و نمی‌توان در تغییرات اجتماعی و اصلاحات بنیادی، جامعه و نهادهای مدنی را نادیده گرفت. در شاخص‌های امید اجتماعی، باید اعتماد میان افراد، اجتماع و سازمان‌های مختلف افزایش یابد؛ چراکه پایین‌رفتن سطح امید اجتماعی، منجر به پایین‌آمدن اعتماد می‌شود و جامعه‌ای که در آن فرد فقط خود را محور ببیند، نمی‌تواند جامعه‌ای امیدوار باشد. کاهش توان تولید رثت، رشد فقر و نابرابری و حاشیه‌نشینی، جامعه را به سمت گسستگی سوق می‌دهد. امروز در برابر دیدگاه‌های گسسته‌ساز که متأسفانه ذهن کسر بزرگی از مردم، به‌ویژه این طبقه فقدان بیدار کرده، باید همه‌سنگی اجتماعی به‌عنوان یک مسئله بنیادی جامعه تقویت شود. انسدادگری از چالش‌های فراوری امیدآفرینی است. با انسدادگری، تغییرات مثبت در جامعه رخ نخواهد داد. مع‌الاسف بیکه‌تاری تدررها در برخورد جزمی با مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی، نسل جدید را از امید و گفت‌وگو دور کرده و به سمت نافرمانی سوق داده و شرایط مطلوب را برای زیست نبره‌های بیرون از کشور فراهم کرده است که منویات‌شان را پیش ببرند. رسانه‌ها در چنین وضعیت شکننده‌ای که نهادهای اجتماعی و مدنی ضعیف شده‌اند، نقش حساس و مهم‌تری دارند. رسانه‌ها تقویت‌کننده نهادهای مدنی و پیل ارتباطی مردم هستند. امید مردم به هم‌آوردی می‌تواند صدای خاموش را به گوش حاکمیت برسانند. این یک واقعیت است که طبقه متوسط زیر چرخ‌های تورم گرفتار شده‌اند. در شرایطی که پاران‌های نقدی روز به روز بی‌ارزش‌تر می‌شود، طبقات ضعیف هم با سیاست‌های این دولت، نه له که با خاک یکسان شده‌اند. آنها انتظار داشتند با یکدست‌شدن مدیران و هم‌افزایی دولت و مجلس و قوه قضائیه و سایر نهادهای صاحب نفوذ و قدرت، رفاه نسبی حاصل شود. رسانه‌های جریان اصلی، دولت روحانی را ناکارآمد و بی‌عرضه جلوه می‌دادند که با روی‌کارآمدن یک دولت انقلابی، در سریع‌ترین زمان، وضع بهبود می‌یابد. اکنون نه تنها بهبود نیافت‌ه، بلکه بدتر شده است. امید مردم به‌ر آب شده، چون می‌تواند تجربه متفاوتی باشد. این نمایشگاه نشده؛ بلکه هر چه می‌گذرد، شرایط زندگی روزمره آنها دشوارتر می‌شود. گشایش اقتصادی، جای خود را به گرانی افسارگسیخته داده. ارزش پول و قدرت خرید، مدام کاهش می‌یابد و توان مردم برای اداره خانواده، روزبه‌روز کمتر می‌شود. تا حالا هم شهروندان نجیب کشورمان، همه رنج‌ها و دردها را تحمل کرده و دم نبریاورده‌اند؛ اما آنها وقتی می‌بینند وضع زندگی و خانواده و فرزندان مدیران و مسئولان، طور دیگری است و این دعوت به مقاومت، فقط قشر متوسط جامعه را نشانه رفته، عصبانی می‌شوند. آنچه برای امیدآفرینی در مردم لازم است، الزاما پول‌پاشی و افزایش حقوق و یارانه و اینها نیست. چاره آن است که کار مردم و به مردم واگذارند. دولت و مجلسی برآمده از رای مردم، فارغ از تنگ‌نظری‌های حذقی، فضای اعتماد و امید را زنده می‌کند. مصلحان اجتماعی و هر آن کسی که اعتباری نزد مقامات دارد، تکلیف خود بداند و پیش بگذارد و نگذارند مدیمن پر کوره انسدادگری و امیدزدایی از مردم، ایران عزیزمان را دچار خسارتی جبران‌ناپذیر کند. راه نجات، بالابردن ظرفیت‌های آرزومندی جامعه و پیشه‌کردن آشتی ملی است؛ آشتی با مردم و نهادهای مدنی و آشتی با همه. نیاز به تغییر، حس مسئولی همه ما ایرانیان است، هر کس دل در سعادت ملت ایران و آبادانی و سربلندی این ملک و میهن دارد، شده، چاره آن است که گذشت از نگاه خود ازرایی کند. باید ببینیم، کجا درست عمل کردیم، اشتباهات‌مان کجا بود؟ چرا هر حرکتی می‌کنیم، به جای پیشرفت، شاهد پسرقتیم؟ امیدوارم در سال ۱۴۰۲ تجربه‌های شکست‌خورده پیشین اصلاح شود و تصمیمات مهم و سختی برای جلب مشارکت سیاسی مردم گرفته شود؛ تا بار دیگر امید به ساختن یک جامعه نمونه و ایستاد در دل همگان زنده شود. بهار امسال، بهار آشتی با مردم و کارآمدسازی دولت باشد؛ مردم فقط آن چند نفر هوادر سینه‌چاک ما نیستند؛ مردم آت‌هایی هستند که کمرشان زیر فشارهای اقتصادی خم شده و شرمند‌ه خوسر و فرزند، صورت‌شان را با سیلی سرخ نگه داشته‌اند. امید که در سال جدید، آرزوی مردم برای حکمرانی عسب، صورت واقعیت به خود بگیرد.

### روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۷۲۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۲ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۵ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۱۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۲۹
اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

# شترت

● بازار گل و گیاه محلاتی تهران با نزدیک شدن به روزهای پایان سال و فرارسیدن فصل بهار پذیرای شهروندانی است که قصد دارند گل و گیاه و ملزومات سفره هفت سین را تهیه کنند و به استقبال بهار بروند.
عکس: امین جلالی، ایرنا

## کمیته پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه مطرح کرد

# درخواست برای آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی در آستانه نوروز

در روز گذشته روزنامه‌نگاران و کمیته پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی درخواست‌هایی در قالب نامه خطاب به رئیس قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، مطرح کردند. روز دوشنبه نیز نامه بیش از ۲۰۰ روزنامه‌نگار داخل کشور منتشر شد که در آن تقاضای آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی در آستانه سال جدید مطرح شده بود.

**درخواست کمیته پیگیری برای آزادی روزنامه‌نگاران بازداشتی**

کمیته پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه، آزادی روزنامه‌نگاران زندانی را در آستانه عید نوروز درخواست کرد. در این نامه خطاب به ریاست قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، آمده است: «احتراماً؛ همان‌گونه که استحضار دارید، در پی بروز ناآرامی‌های اخیر در کشور، تعداد درخور توجهی از روزنامه‌نگاران تحت تعقیب قرار گرفته و بعضا بازداشت شدند که خوشبختانه در پی فرمان عفو‌ی که صادر شد، پرونده اغلب آنها با صدور قرار موقوفی تعقیب بسته شد. با این حال متأسفانه برخی از این همکاران، از جمله خانم‌ها نیلوفر حامدی و الهه محمدی همچنان در وضعیت بلاتکلیف تحت قرار بازداشت موقت قریب پنج ماه است که در زندان به سر می‌برند. ادامه بازداشت این همکاران در شرایطی صورت می‌گیرد که برخی نهادها و اشخاص عادی که فاقد مسئولیت قضائی هستند، در طول ماه‌های گذشته فضای تبلیغاتی سنگینی علیه دو روزنامه‌نگار مذکور ایجاد کرده و حتی پیش از صدور کيفرخواست آنها را محکوم دانسته‌اند. این شیوه برخورد عمیقاً موجب افزایش نگرانی‌ها درمورد تصمیمات نهایی برای وضعیت بازداشت خانم‌ها حامدی و

محمدی است. اطلاعات موجود و خصوصاً اظهارات مدیران مسئول دو روزنامه متبوع الهه محمدی و نیلوفر حامدی اکیدا و صریحا حاکی از آن است که آنها صرفا تحت دستور رسانه خود صرفا به انجام وظیفه حرفه‌ای پرداخته و مرتکب خطایی نشده‌اند تا مستحق چنین سخت‌گیری شدیدی باشند.

جناب‌عالی‌ی که قریب چهار دهه در مسندهای مختلف قضائی حضور داشته و مدتی نیز در مقام



### نقد هفته

در این نامه با اشاره به تاکیدات رئیس قوه قضائیه مبنی بر عفو همه زندانیان به جز کسانی که شاکلی خصوصی داشته‌اند، یادآور شدند که الهه محمدی و نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگاران زندانی پس از شش ماه همچنان بلاتکلیف و در زندان هستند. روزنامه‌نگاران

را به خاطر می‌آوریم که درباره ایام نوروز و مخاطراتش یک پروژه فرهنگی و کارشناسی شده حوالی بهمن شروع می‌شد، آموزش‌ها داده می‌شد، نیروهای مسئول آماده‌باش می‌شدند، رصد میدانی و پایش لحظه‌ای صورت می‌گرفت، اخبار و وقایع روزانه منتشر می‌شد و نهایتا رسانه ملی به انتشار نتایج این اقدامات و تحلیل نقاط قوت و ضعف می‌پرداخت. یادش

بخیر! این روزها دیگر خبری از این مانورها و اقدامات مسئولانه نیست. شاید تصور این است که الان موضوعات مهم‌تری در جریان است و چهارشنبه‌سوری و سفر جاده‌ای هیچ اولونیتی در برنامه‌های رسانه ندارد که طبعاً این موضوع با توجه به بودجه نامحدود رسانه، ۲۴ ساعته‌بودن شبکه‌های تلویزیونی و عطش تهیه‌کنندگان و دم‌دست‌بودن حامیان مالی به نظر بهانه می‌بودی است. شاید رسانه‌ها در این خواب فرورفته‌اند که سال‌های تعلیم فرهنگی به پایان رسیده و دیگر همه چیز حل شده و همه می‌دانند ترقه خطر دارد و سبقت بی‌مورد و توجه‌نکردن به جلو حین رانندگی مرگ‌آور است که البته که التهايات مرسوم‌شده این روزها در سطوح اجتماعی و امنیتی وجود نداشت، چهارشنبه‌سوری و سفرهای نوروزی موضوعات مهم‌تری بود و فرهنگ‌سازی مرتبط با آن در رسانه‌های جمعی برای خودش یلی بود. بخش زیادی از انرژی رسانه در ایام نزدیک به عید نوروز معطوف به خطرات و کنترل آمار مرگ‌ومیر این مناسبت‌ها می‌شد. ساعات پرمخاطب تلویزیون وقف فرهنگ‌سازی دراین‌باره می‌شد و فیلم‌های محبوب و بعضا مسابقات ورزشی پرطرفدار طوری تنظیم می‌شد که بتواند مخاطب جوان را در خانه بنشانند و شیطنت در آجرین سه‌شنبه‌شب سال و احوان سفرهای غیرضرور با چاشنی ویراز رفتن و لایه‌کشیدن و سبقت‌گرفتن باز دارد. فارغ از اینکه چقدر این اقدامات اثرگذار بود، نوعی مسئولیت‌پذیری در سطوح مدیریت بهداشت و رسانه در آن سال‌ها موج می‌زد که ته دل‌مان گرم می‌شد که هنوز کسی به فکر است و هنوز بخشی از بودجه به جای مصارف سیاسی و ذهنیت‌سازی، صرف فرهنگ‌سازی و سلامت می‌شد. در خلأ حواشی اجتماعی در آن سال‌ها، یکی از اخبار پرطرفدار آن زمان این بود که آمار چهارشنبه‌سوری و مرگ‌ومیر جاده‌ها امسال نسبت به پارسال چقدر بهتر شده است و کدام کار بهتر جواب داده تا آن ادامه دهیم. همین یکی، دو دهه اخیر



● بازار گل و گیاه محلاتی تهران با نزدیک شدن به روزهای پایان سال و فرارسیدن فصل بهار پذیرای شهروندانی است که قصد دارند گل و گیاه و ملزومات سفره هفت سین را تهیه کنند و به استقبال بهار بروند.
عکس: امین جلالی، ایرنا

## کمیته پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه مطرح کرد

# درخواست برای آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی در آستانه نوروز

همچنین در این نامه با یادآوری نقش رسانه‌ها در روشن‌شدن حقایق، در راستای تصمیم اخیر قوه قضائیه و تداوم امیدبخشی به جامعه، خواستار آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی دو روزنامه‌نگار زندانی شدند. تا لحظه تنظیم این خبر اسامی امضاکنندگان نامه به دلایلی نامعلوم در حال افزایش است. در بخشی از متن نامه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران آمده است: «اتفاقات و رویدادهای ماه‌های اخیر در کشور، تاثر و آندوه بزرگی در میان جامعه و همه دلسوزان کشور برانگیخت؛ با این حال تصمیم جناب‌عالی مبنی بر پیشنهاد آزادی و عفو زندانیان و موافقت رهبری با این پیشنهاد که موجب عفو گسترده و آزادی شمار زیادی از زندانیان اتفاقات اخیر شد، روزنه‌ای از امید در جامعه گشود. متأسفانه این اقدام امیدبخش بنا به دلایلی نامعلوم در نیمه راه متوقف شد و با وجود تاکید جناب‌عالی مبنی بر اینکه فقط کسانی که شاکلی خصوصی دارند، از عفو مستثنا هستند و بقیه شامل عفو خواهند شد؛ اما دو روزنامه‌نگار داخلی یعنی الهه محمدی و نیلوفر حامدی همچنان بعد از گذشت شش ماه، در بازداشت موقت، بلاتکلیف و در زندان هستند. ما جمعی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران کشور، ضمن ابراز خرسندی نسبت به تصمیم‌های جناب‌عالی برای تزریق امید در جامعه، بر این باوریم که رسانه‌ها و خبرنگاران، نور را بر حقیقت می‌تابانند تا درست از نادرست، دلسوزان از بدخواهان و دوستان از دشمنان تشخیص داده شوند؛ بنابراین در ادامه این تصمیم امیدبخش و در آستانه سال جدید، خواستار آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی دو روزنامه‌نگار شافل در رسانه‌های رسمی و داخلی کشور هستیم تا بتوانیم به فردایی بهتر و اعتمادبخشی میان آحاد جامعه امیدوارتر باشیم.»

پس از آغاز اعتراضات در شهرویر امسال جمعی از روزنامه‌نگاران کشور بازداشت شدند. نیلوفر حامدی، خبرنگار اجتماعی روزنامه «شرق»، از اولین روزنامه‌نگاران بازداشتی بود که اواخر شهریور بازداشت شد و بیش از ۱۷۵ روز است که در زندان به سر می‌برد. همچنین الهه محمدی، خبرنگار اجتماعی روزنامه مه‌میهن، در هفته اول مهر بازداشت شد و مدت بازداشت خود را در بلاکلیفی در زندان‌های اوین و قرچک به سر برده است.

## روزنامه‌نگاران بازداشتی

پس از آغاز اعتراضات در شهرویر امسال جمعی از روزنامه‌نگاران کشور بازداشت شدند. نیلوفر حامدی، خبرنگار اجتماعی روزنامه «شرق»، از اولین روزنامه‌نگاران بازداشتی بود که اواخر شهریور بازداشت شد و بیش از ۱۷۵ روز است که در زندان به سر می‌برد. همچنین الهه محمدی، خبرنگار اجتماعی روزنامه مه‌میهن، در هفته اول مهر بازداشت شد و مدت بازداشت خود را در بلاکلیفی در زندان‌های اوین و قرچک به سر برده است.

## هنر خوانی

## اعتراض مسکو به اسکار ایسنا: کاخ «کرملین» نسبت به اعطای جایزه اسکار به مستندی درباره «الکسی ناولتی» چهره مخالف دولت روسیه واکنش نشان داد.

«دمتری پسکوف»، سخنگوی کرملین در یک کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران گفت: «نمی‌توانیم کیفیت مستند را قضاوت کنیم، زیرا آن تماشا نکرده‌ام… بنابراین، احتمالا گفتن چیزی غیرمنطقی خواهد بود. اگرچه فیلم را تماشا نکرده‌ام، به جرئت می‌توانم بگویم که عنصر خاصی از سیاسی‌شدن موضوع در اینجا وجود دارد. هالیوود گاهی از سیاسی‌کردن کار خود دریغ نمی‌کند، بنابراین چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد.» این مستند با نام «ناولتی» به کارگردانی «دنیل روهر» که حول محور «الکسی ناولتی» و وقایع مربوط به مسمومیت او در اگوست ۲۰۲۰ می‌چرخد، اسکار بهترین فیلم مستند بلند را به خانه برد. این مستند به بلند به دنبال تحقیقاتی توسط تیم ناولتی به همراه گروه بلینکتک است که آنتا نقاب مأموران را که برای مسموم‌کردن ناولتی در سال ۲۰۲۰ فرستاده شده بودند، آشکار می‌کنند. «الکسی ناولتی» چهره مخالف دولت روسیه در ژانویه ۲۰۱۱ پس از بستری‌شدن در بیمارستانی در آلمان دستگیر شد و در آنجا به دلیل مسمومیت تحت درمان قرار گرفت. کشورهای غربی و خود ناولتی روسیه را مسئول این مسمومیت می‌دانند، ادعایی که کرملین آن را رد می‌کند. «دنیل روهر» کارگردان این مستند پس از کسب اسکار، جایزه خود را به ناولتی و به تمام زندانیان سیاسی در سراسر جهان تقدیم کرد و گفت: «الکسی، جهان پیام حیاتی شما را برای همه ما فراموش نکرده است: ما نباید از مخالفت با دیکتاتورها و اقتدارگرایی در هر جای دنیا، هراس داشته باشیم.» اعطای جایزه اسکار بهترین مستند به «ناولتی» با استقبال گروه‌های اپوزیسیون و مخالف دولت روسیه نیز همراه شده است. «میخائیل خودورکوفسکی»، سرمایه‌دار سابق نفت که با کرملین رودررو شده، در توییتی نوشت: «به همکاران برای اسکار فیلم ناولتی تبریک می‌گویم! امیدوارم این به الکسی کمک کند که زنده بماند.»

### سید رسانه



**امیر عربی**

**چشم‌بزشک**

نوروز و نزدیک‌شدن به ایام تعطیلات نسبتاً طولانی آن، برای اقشار مختلف معانسی و خاطرات گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کند. نقطه مشترک بهداشتی و درمانی در این طرح‌ورهای گوناگون دو کلیدواژه ترسناک است، چهارشنبه‌سوری و تصادفات جاده‌ای. از ورای تاریخ و فلسفه و پرمعنای نوروز باستانی، آنچه از چهارشنبه‌سوری و سفرهای نوروزی برای نسل‌های کنونی باقی مانده ترس از خروج از منزل، صدای مهیب تیر و طرقه، ازدست‌دادن عزیزان در کف آسفالت جاده‌ها و صورت‌های خون‌آلود سوخته بوده است. جوان‌تر که بودیم، حدوداً ۱۵، ۱۰ سال قبل، زمانی که التهايات مرسوم‌شده این روزها در سطوح اجتماعی و امنیتی وجود نداشت، چهارشنبه‌سوری و سفرهای نوروزی در واقع حراجی بزرگی در فضایی کوچک است و «سعید برآبادی» به همراه دیگر برگزارکنندگان این نمایشگاه سعی کرده‌اند تا گلچینی از آثار هنری روز ایران را گرد هم آورند؛ ترکیبی از تابلوهای نقاشی، تابلوهای عکس و نقاشی‌خود، حتی آوازبازوهای چوپی، مجسمه‌های فلزی، عروسک‌های اسطوره‌ای، سوزن‌دوزی اصیل بلوچستان و ده‌ها اثر دست‌ساز. دیگر، آثار هنری این نمایشگاه همگی دست‌ساز، منحصربه‌فرد و البته متنوع هستند؛ همان‌طورکه قیمتش متنوع است از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان. البته این رقم برای گران‌ترین اثر این نمایشگاه است. در واقع تلاش شده با کاهش میزان سود و حذف واسطه‌ها، هر علاقه‌مندی که گذارش به خیابان نوربخش می‌افتد، دست خالی برنگردد. تا ۲۸ اسفند و از ساعت ۱۶ تا ۲۲ امکان‌ش هست تا از این ۴۰۰ اثر هنری دیدن کنید. البته این تنها بخش نمایشگاه «چیزها» است و وقتی به آنجا می‌رویم حتما کتاب‌ها و چیزهای دیگری هم هست که توجه ما را به خود جلب کند.